

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ترجمه: یا همانند کسی (عزیر) که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود (و مردم آن مرده و استخوان‌هایشان در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟

پس خداوند او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرد (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز، یا قسمتی از یک روز را درنگ کرده‌ام! فرمود: (نه) بلکه یک صد سال درنگ کرده‌ای، به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (که با گذشت سالها) تغییر نیافته است. و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) و (هم) تو را نشانه (رستاخیز) و حجتی برای مردم قرار می‌دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها (ی مرکب خود) بنگر که چگونه آنها را بهم پیوند می‌دهیم و بر آن گوشت می‌پوشانیم. پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می‌دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست

نکته ها

آیه‌ی قبل گفتگوی حضرت ابراهیم با نمرود را بازگو کرد که پیرامون توحید گفتگو می‌کردند و هدایت از طریق استدلال بود و ابراهیم با استدلال پیروز شد. نمونه‌ی دوم خروج از ظلمات به نور، در این آیه است که پیرامون معاد گفتگو می‌شود و هدایت از طریق نمایش و به صورت محسوس و عملی صورت می‌گیرد. در تفاسیر و برخی روایات آمده است که نام این شخص «عزیر» بوده است. در تفسیر المیزان می‌خوانیم که این شخص باید پیامبر باشد، زیرا خداوند با او سخن گفته است

پیام ها

به تمدن‌های ویران شده گذشته، باید به دیده عبرت نگریست و درسهای تازه گرفت. «مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ»

هر چند می‌دانید، اما باز هم علم خود را با تجربه و پرسیدن بالا ببرید. «أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ»

صد سال مردن، برای یک نکته فهمیدن بجاست. «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ»

گذشت زمان طولانی، خللی در قدرت خداوند وارد نمی‌آورد. «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ»

رجعت و زنده شدن مردگان در همین دنیا و قبل از قیامت قابل قبول است «فَأَمَاتَهُ ... بَعَثَهُ»

نمایش، از بهترین راههای بیان معارف دینی است. «فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ ... وَ أَنْظُرْ إِلَى ... وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ...»

با اراده الهی استخوان محکم، متلاشی می‌شود، ولی غذایی که زود فاسد می‌شود، صد سال سالم باقی می‌ماند. «لَمْ يَتَسَنَّهْ»

نمایش قدرت پروردگار برای ارشاد و هدایت مردم است، نه برای سرگرمی و یا حتی قدرت‌نمایی. «وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ»

خداوند صحنه‌ای از قیامت را در دنیا آورده است. «فَأَمَاتَهُ ... ثُمَّ بَعَثَهُ ... وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا»

معاد، جسمانی است. زیرا اگر معاد روحانی بود، سخن از استخوان به میان نمی‌آمد. «وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ»

مشت نمونه‌ی خروار است. خداوند گوشه‌هایی از قدرت خود در قیامت را در دنیا به نمایش گذارده است. «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»